



جلد و قدس سکا

خداوند شکر اولسون طپوکه	که نیت انعام وارم قپوکه
یوزم سرم سنول کرکلو اوکه	یوریر استی قلرده بولک
دلارم حضرت کدن ساغلق اوله	که طاقت کیز و بیلام بوبوله
ضعیفم لیک قوت سندن اومد	صغندم رحمتو که کذب یومدم
یونلدم الریسم دوشوم یوق	طپوکه شکر ایدرم اراج طوق
کناه لرم بنوم حدن اشبدن	دکیز کردن بتر اولب طشبدن
ضعیف قوللر کناه اشلر اولر	قوی الله انی باغشلا اولر
محمد که جیو کدر خدایا	اوبکر عمر عثمان علیا
بنی ایر کو قیر لرین کورین	یومر تر به لرینه سوریم
محمد رحمتیون نور کسرت	که جانوم طالب اولدی انی اشدر

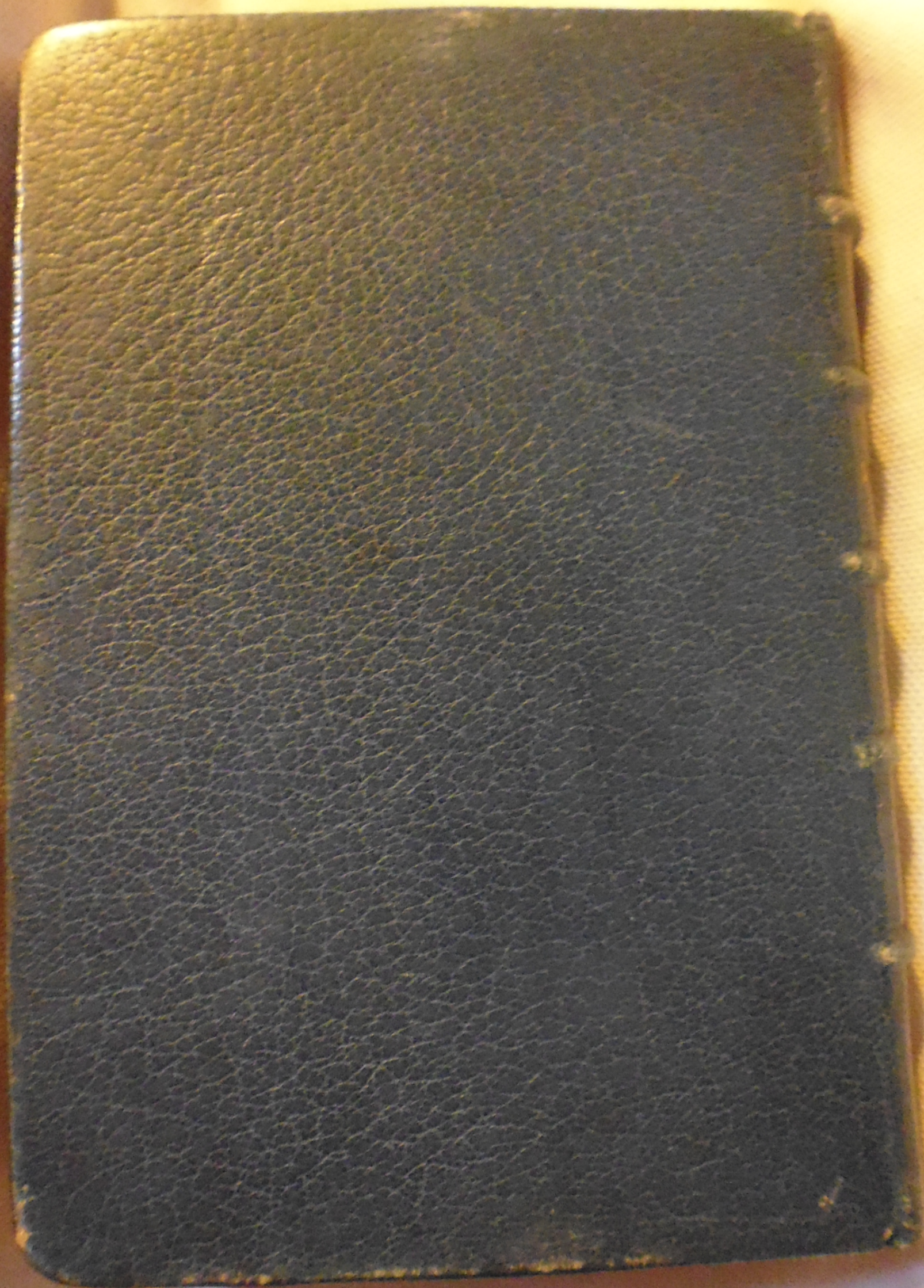
Handwritten text in the left margin, partially obscured by the binding of the adjacent page.

یَقِینْ مَدَّتْ لَیْکِنْ دُوشَه دُشْمِی	حَقِیقَتْ بُوْلَه دَرِیْن سَاکَه دُشْمِی
اَمِیْدِیْن کَسْمِیْکْ بُوْفا لَکِ اِسْتِی	کِه بُوْ نُوْعَه دَکَلْ هَرْ حَالِکِ اِسْتِی
اگر کَلَسِیْ کَمَزْ کِمَنَه بَارِکْ	کَمَزْ خُوْشَلِغِیْلَه قِیْشُوْکْ وَاَزِکْ
اُولُوْکْ اِلَه سِنْ هَمْدَمْ اُولَا سِنْ	کِه صَا حَبِیْبُ سِنْلَه مَحْرَمْ اُولَا سِنْ

اَيُولُوْدَنْ اُولَا سِرْزَدَه عَلَامَتْ
کِه خَیْرْ کُودَنْ کُودَه عَالَمْ تَمَامَتْ

م

سعادَت بُوْز صُوْرَتِیْن
خُجْدَه لَیْزْ اِسْمِیْکْ
قَلَمْ دُوْلَتِیْلَه فَاغِیْلَه
اُولُوْکْ طَبِیْبْ دُوْلَتِیْلَه
اُولُوْ نَعْمَتِیْلَه حَقْدِیْلَه اَمَا سِنْ
کُومَلُوْ اِسْتِی بَرِوَرْد بُوْلا سِنْ
وَلَا یَت بُوْیُوْغْ کُورْ قِیْسِرْ
وَفَا رِیْلَه نَصِیْبْکْ وَا سِرْزَدَه
اَبُوْ غُصَّه دُوْلَتِیْلَه اَمَا سِنْ
مَالِ اِسْتِی اَمَا سِنْ اُولُوْکْ
مَالِ اِسْتِی اَمَا سِنْ اُولُوْکْ
مَالِ اِسْتِی اَمَا سِنْ اُولُوْکْ





بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الایا اهیاب فی یاد کاس ویا
که عشق آن بود اولی فی فیه
بوی تاج و خزان طره کش
رتاب حبه مشکین چرخ ویا
شبی نایب هم موج کردانی
کی دند حال با سبک بر آب جدا
بخی سبزه کین کمرت بر من کوب
کی سالت بخر نو و ز راه رسم مراد
همه کام ز خود کافی به دنیا می
نهان کی مانده امراری کز نوا می
مرا در منزل جهان جو امس روزم
حسنوری کریم زاری غایب
جهرس فریاد میبارد که بر بند محمل
متمی مایه من یهوی الله الیه
و مشرب

پیش از این که بر سر من آید

بمقتضای قوه و طایفه و طبیعت
خوار که به پیش از من و در وقت

اینکه در قوه و طایفه و طبیعت
خوار که به پیش از من و در وقت

اینکه در قوه و طایفه و طبیعت
خوار که به پیش از من و در وقت

و به جهت دردی و دردی
و به جهت دردی و دردی

و به جهت دردی و دردی
و به جهت دردی و دردی

و به جهت دردی و دردی
و به جهت دردی و دردی

و به جهت دردی و دردی
و به جهت دردی و دردی

و به جهت دردی و دردی
و به جهت دردی و دردی

و به جهت دردی و دردی
و به جهت دردی و دردی

بن نوشته تابانه یار کاس

جام نایض صوابانه ردون کار

این مهر اتابابا
وله التنا و هو رقا
هر کاسه

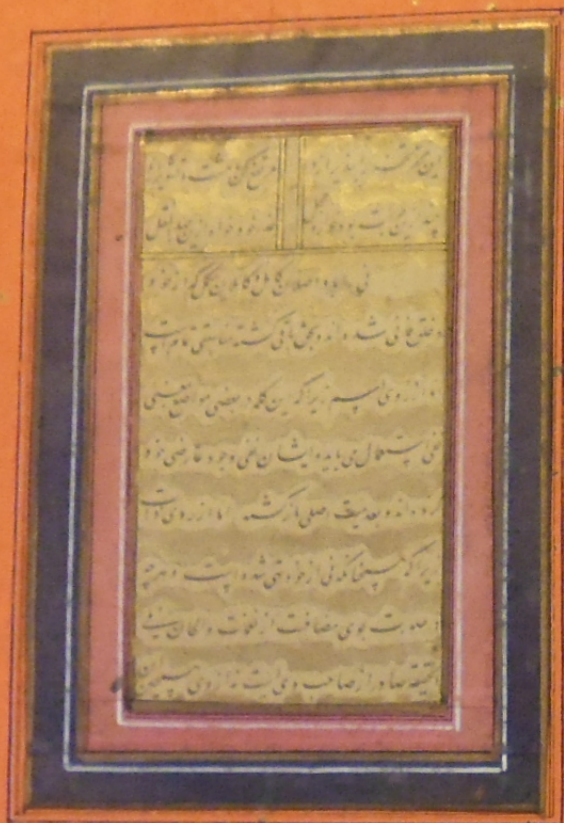
الحمد لله رب العالمین
و الصلوة علی من فی
الصلوة

A close-up photograph of a piece of aged, yellowish paper. The paper shows significant signs of wear, including numerous dark brown stains and spots, particularly on the left side. In the center-right area, there is a faint, reddish-brown mark that appears to be a signature or a stamp, though it is difficult to decipher due to fading and the texture of the paper.

اسرار حضرت محمد

This image shows a close-up of a piece of aged, yellowed paper. The paper has a mottled appearance with various brown and tan stains, particularly along the edges and in the center. There are faint, dark, and illegible markings that appear to be either bleed-through from the reverse side or very light ink. The overall texture is rough and uneven, characteristic of old paper.

125











نص

فعل مضارع بناء معلوم مفرد مذکر غائب معنایی بردم ایشدی بر غائب ار کجاش زمانه	فعل مضارع بناء معلوم مفرد مذکر غائب معنایی بردم ایدر بر غائب ارشدیکی عاده یا کجاش زمانه	مصدر غیر میمی مفرد معنایی بر دم اکملک م
--	--	--

اسم فاعل مفرد مذکر معنایی بر دم ایدی بجی بر ار م	اسم مفعول مفرد مذکر معنایی بر دم اولنش برار م	فعل مضارع جی مطلق بناء معلوم مفرد مذکر غائب معنایی بر دم ایشدی بر غائب ار کجاش زمانه
--	---	---

فعل مضی بناء معلوم مفرد مؤنث

فعل مضی بناء معلوم مفرد مؤنث
مخاطبه معنایی بر دم
ایند که سن بر خاطر
عورت کجاست
زمانه

فعل مضی بناء معلوم مفرد مؤنث

فعل مضی بناء معلوم مفرد مؤنث
مخاطبه معنایی بر دم
ایند که سن بر خاطر
عورت کجاست
زمانه

فعل مضی بناء معلوم مفرد مؤنث
مخاطبه معنایی بر دم
ایند که سن بر خاطر
عورت کجاست
زمانه

مثال الیاض المجهول

فعل مضی بناء معلوم مفرد مؤنث
مخاطبه معنایی بر دم
ایند که سن بر خاطر
عورت کجاست
زمانه

فعل مضی بناء معلوم مفرد مؤنث
مخاطبه معنایی بر دم
ایند که سن بر خاطر
عورت کجاست
زمانه

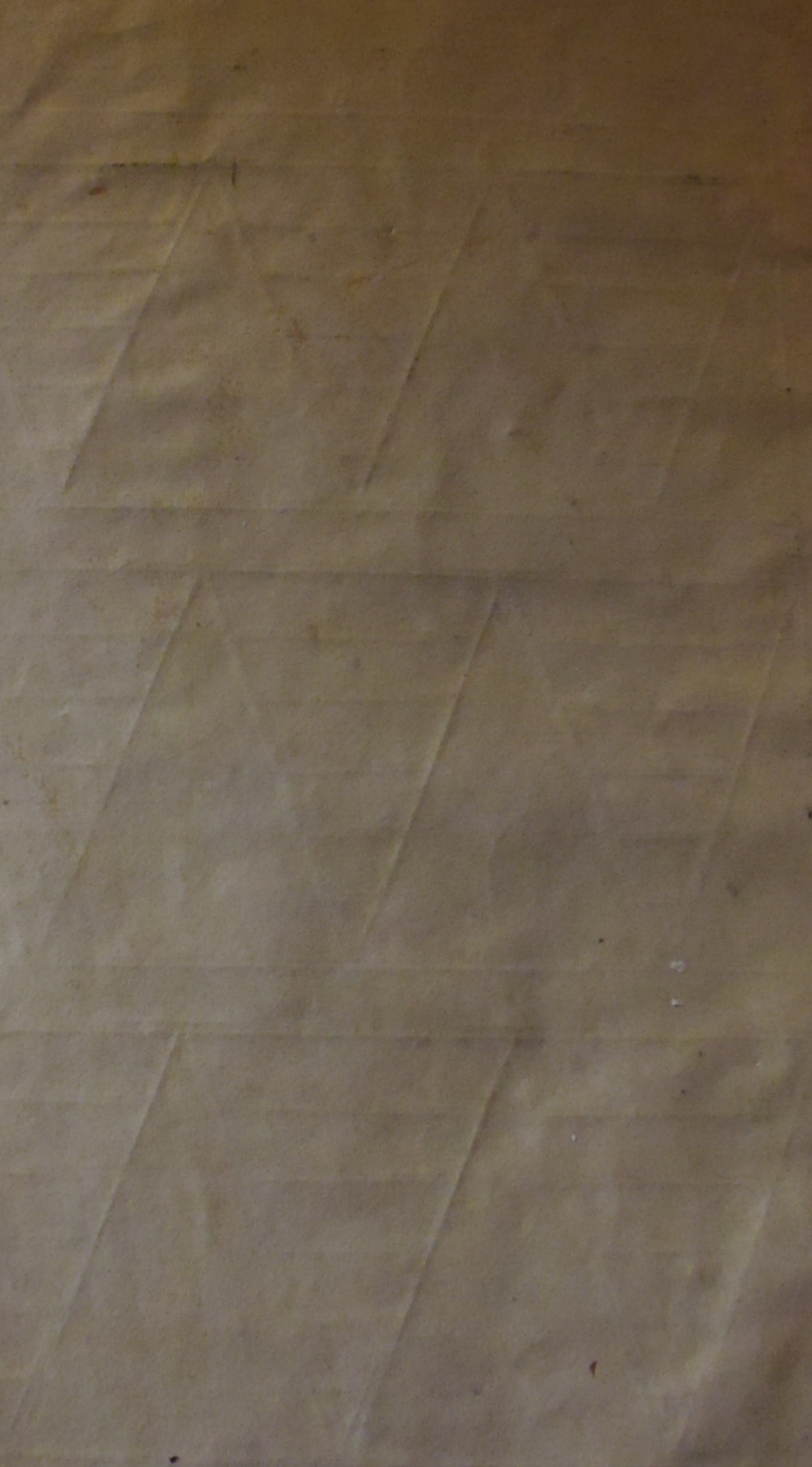
فعل مضی بناء مجهول جمع
مذکر غائب معنایی
بر دم اولند بیداری
غائب اولر
کجاست
زمانه

فعل مضی بناء مجهول جمع
مذکر غائب معنایی
بر دم اولند بیداری
غائب اولر
کجاست
زمانه

فعل مضی بناء مجهول مفرد
مذکر غائب معنایی
بر دم اولند بیداری
غائب اولر
کجاست
زمانه

1234

1360



تمت الكتاب بعون الله الملك الوهاب

كتبه الفقير الحقير اسكندر

اسماعيل صبري

غفر الله ذنوبه

وله والديه

١٢٤٠

م





چو لیرم سطرلابت به
دسم روزن اردیده روش
کنم چشم دل روشن از روش
تاشا کنم عالم عیب را
کلیم از غصا چشمه گمشا
وزان چشمه صد شتاب داد
دسم زاب حضرت دوصد چو پاد
من از نوک کلک ضیاء نکا
بسج اصد از او را بنده کرد
بیکدم دوصد مرده را زنده کرد

پادشاه عالم
در شمس
بجام
زادش

خدا ای که این را جویدی
بارت از این عالم



در پیشگاهش
 که با دستهای
 که بر سرش
 که بر سرش



که بر سرش
 که بر سرش
 که بر سرش
 که بر سرش

این است که در پیشگاهش
 که با دستهای
 که بر سرش
 که بر سرش

نشاہ شریف عالمشاہ سامی مکاہ سلطانی و طراری
جہاہ ستار خاقانی نغذ القوہ الربانی حکمی
اولدرکم

چوہ حضرت حق جلّ علاک علو عبادات بی
غایاتی و سرور انبیا علیہ الہ واصحابہ افضل النہایک
سمو معجزات کثیرۃ البرکات بلہ بنکہ سلطہ صنادید
سلطین خاقانہ اساطین خواقین نایم بخش حسرواہ
اوزنک نثرین ظلّ اللہ تعالیٰ فی الارضین اولوب
اشرف البلادہ و الاماکوز و ایرک المداہن و المساکین
قبلہ جلّہ اسلامیاہ مجرب توجّہ عامۃ دانت
عواہ اولاہ مکہ مکرمہ و مدینہ منورہ نک
خادی

خادمي و قدس شريف منار كك حامي و حاكي و بلاد
 ثلثة معظه كه استانبول و ادرنه و يروسة در ايلرك
 و شام جنت شام و ولايت طرابلس شام و مصر نادره
 العصر زهت ارسام و كلتاء عزبستانه و فريقيه
 و برفه و فرواه و حلب شنباه و عراق عرب و عجم و
 بصره و احسا و ديلم و خصوصاً بغداد دار السداد و
 موصل و شهر ذود و ديار بكر و ذوالقدرية و ارض
 روم بخت رسوم و اديب و قرماه و فارص
 چلد و واه و جزين و موده و بدو قريش و ساقز
 و رديس و مغرب و حش و اريطهاد جزائر و طرابلس غرب
 و تونس و اق دكر و قره دكن و جزين و لري و سوا طلي
 و ديار اناطولي و محالك روم الي و جميعاً كرهستانه
 و روم و ترك و تاتارستانه و چراكستانه و قباد طيان
 و كوردستانه و دشت فجا و ابلات تانار و دشت

او نحو البردة واقع عمداً صفتاً ومملكت كنه واطرافه
 واقع جلم او غافاه ومضافاته عي ما بوسنه وقلمه
 بلغراد دار الجهاد و ضرب حكومتي وانت اولاه ولاح و
 حصوه و بلاد دار نودلق و باقوام افلاق و بغداد و
 وجوانبلرن و واقع ولاح و غريب و توصفده مستقي
 نيجه بده و بقاعك پادشاه معدلت پناه و شهنشاه نصرت
 دستكاهي السلطه ابن السلطه و الخافاه الخافان
 السلطه انغازي **محمد** خاه ابن السلطه مصطفى خان
 ابن السلطه محمد خان كم منشور سعادت منشور سلطنت
 توفيق رفع سلطه البرن ايله موقع و مرز و مثالي مثال
 خلافت عنوان عظم ن شاه خافاه البحرين ايله طراز
 و معنود حضرت و هاب مالك الرفاب تعالي
 شان عن شواب الأرنياك كمال فضل و عنايتي ايله
 ملجاء سلاطين عايتبار من افتخار الأمراء النظام

العيسوي مختار الكبراء الفحام المسيحيه مصلح مصالح
 جاجير الطائفة النصراية صاحب اذبال العظمة و
 الوقار صاحب دلائل المجد و لايت فرائجه نك و
 اكاتب نيجه ممالك و سبعة للمساكنك پادشاهي ختملو
 اولوز غبتلو قديمي صاد و دوستمراوه بشنجي
لوي ختم الله عواقبه بالخير و الرشاد و احسن اليه
 سبل ا تصواب و السداد جناب لري طرفنده كمال
 خلوص فؤاد و مزيد خصوصيت و سداد كبريت
 اسعار و ايرادني حاوي در بار خلافت فرار



عالمی شہسار ساری مکاتیل طرہ فی وطنی
خافانی نفذ الحوہ الی تانی
حسب

ت حق حل علاءک علوق عسات
ورانبین علیہ اللہ و اصحاب الفضل الثانی
کثیرۃ البرکات بلہ بنکہ سلطہ صنادید
خافاہ اساطیر خوافتن تابع بخش حصر و
ظلال اللہ فی فی دلیق اولوب
راہ و ملا ما کوز و ایرک ف لدر ایرین و آلسکی
اسلامیہ مجرب و توجہ عامتہ دنانست

A large, intricate, and highly stylized calligraphic signature or seal, likely in Chinese, rendered in dark ink on a light background. The strokes are bold and expressive, forming a complex, swirling pattern. The central part of the signature is dense with overlapping, vertical and diagonal strokes, while the left side features a large, sweeping loop. A long, thin, horizontal stroke extends from the right side of the main cluster. The overall impression is one of dynamic energy and artistic mastery.

[illegible][illegible]

در وجوده این لطیف ایوان لکزی صوری تزیین کرد
که در آنجا که می ایستد و آواز می شنود
از هر طرف صدای غوغا و هیاهو می شنود
و از هر طرف صدای غوغا و هیاهو می شنود

[illegible][illegible]

برجیہ عزو، حیوانا بنی ملک الفلادین و بین الفلادین / درختی مغل لوزد بجای خود رازن بوقوت و در کرم حوضه مسخره شد
الطیب بر آقا کلید میسر الیمی و
مرد و عورت و غیر الذین مضنون است

محمّد بن ابراهيم بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب

2

۱۰۰



دری بیری بر سره و غیره (شفا و تحفه) و غیره دری و زولاری زیر حلقه فوقه رفیع همیوما و هم (ایضا) و در دره فدا بخود و در نماز و مع فو و در (بکر) و غیره. شیه بقیه

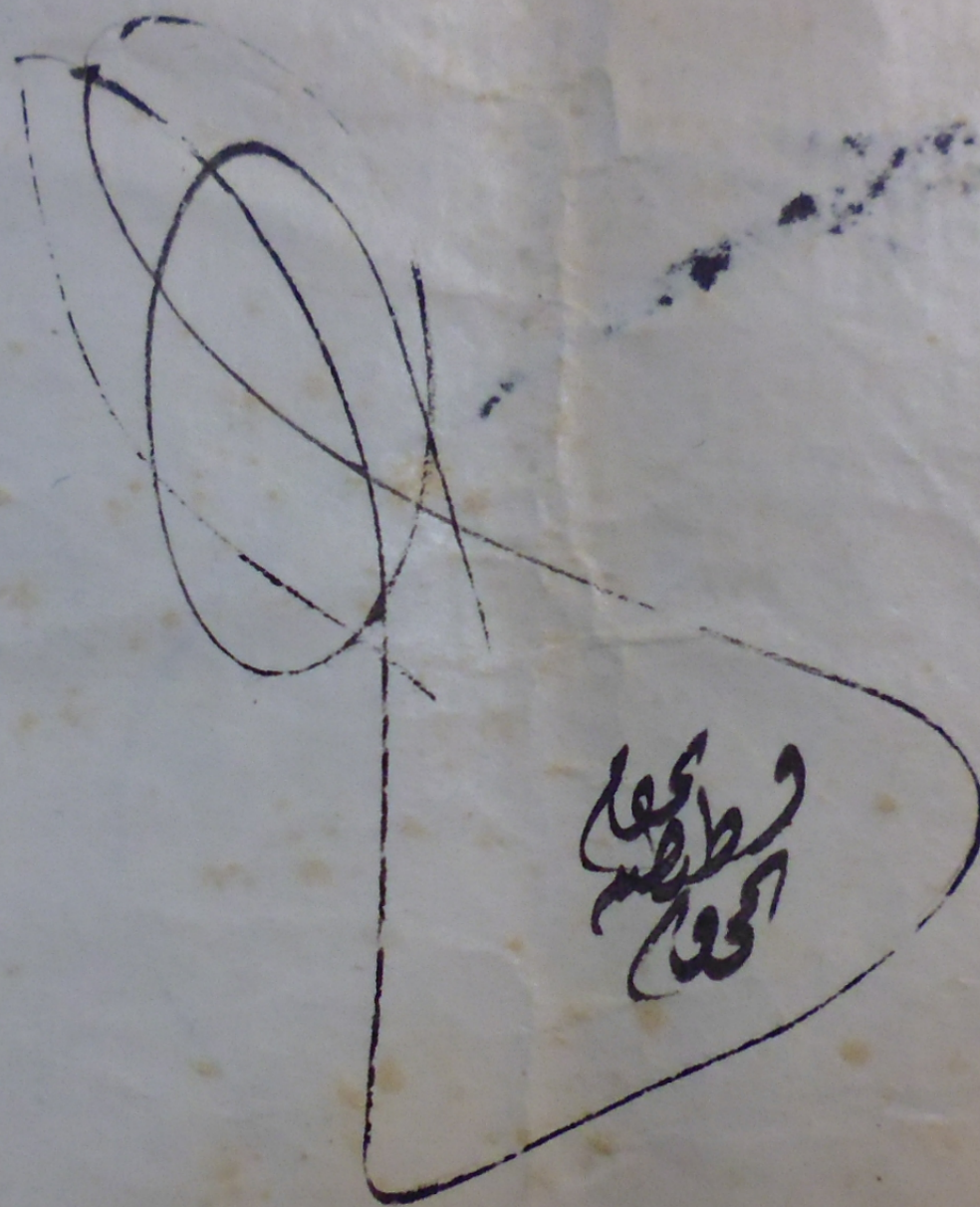
[illegible][illegible]

در دور و نه لطفی ایوانا که شری مردی فلانی
که در آنجا می بیند خود را اولاً عین بیست و نهم
بجز مقولم و عرضی که است این که خداوند کار می
و نه که روح و مغفرت و مصلحتی خاص

[illegible]

وہ بوقت بویہ ہفت و سوار الفتن لعل دین مجاہد عمر فتحی برج خیز قرون مرجع ملک الدنیا کشتہ تعمیر اور برقعہ کفایت نامہ معلوم توریہ والوں کو توریہ

بجسم خود همچو آنکه لعل در برینه لعلند / و بر شایسته مقال اندزه چنان خصل ازین یوسف و زهرا در حوشه مستغنیان
 در آید بر آقا که کلمه سبب آید و / مرور و عبور به موهب و انوار مضمون او شریف



از این جهت

ب

مستطیل

No 201
II

مستطیل و مربع و مثلث و دایره و بیضی و ...
از این جهت



مسلم بن الحجاج

اذن یقینده

۱۰۰

۱۰۰

۱۰۰

بویزه معر و صاکن رانده افکار یغ و میجینه عمر و غمی بر جبهه طرز قوه و کوه و کوه و کوه

لوزره و معر صاکن رانده افکار یغ و میجینه عمر و غمی بر جبهه طرز قوه و کوه و کوه و کوه

معر

بقدره و بهر معنی و حال و در هر حال و در هر حال و در هر حال

در هر حال و بهر معنی و حال و در هر حال و در هر حال و در هر حال

محمّد

١٠
 ١١
 ١٢
 ١٣
 ١٤
 ١٥
 ١٦
 ١٧
 ١٨
 ١٩
 ٢٠
 ٢١
 ٢٢
 ٢٣
 ٢٤
 ٢٥
 ٢٦
 ٢٧
 ٢٨
 ٢٩
 ٣٠
 ٣١
 ٣٢
 ٣٣
 ٣٤
 ٣٥
 ٣٦
 ٣٧
 ٣٨
 ٣٩
 ٤٠
 ٤١
 ٤٢
 ٤٣
 ٤٤
 ٤٥
 ٤٦
 ٤٧
 ٤٨
 ٤٩
 ٥٠
 ٥١
 ٥٢
 ٥٣
 ٥٤
 ٥٥
 ٥٦
 ٥٧
 ٥٨
 ٥٩
 ٦٠
 ٦١
 ٦٢
 ٦٣
 ٦٤
 ٦٥
 ٦٦
 ٦٧
 ٦٨
 ٦٩
 ٧٠
 ٧١
 ٧٢
 ٧٣
 ٧٤
 ٧٥
 ٧٦
 ٧٧
 ٧٨
 ٧٩
 ٨٠
 ٨١
 ٨٢
 ٨٣
 ٨٤
 ٨٥
 ٨٦
 ٨٧
 ٨٨
 ٨٩
 ٩٠
 ٩١
 ٩٢
 ٩٣
 ٩٤
 ٩٥
 ٩٦
 ٩٧
 ٩٨
 ٩٩
 ١٠٠

بجانب

سدر امان و سراج امان و سراج

ضمان

زبد المصنف جامع و جلی و در

2015

سنه ۱۲۰۵ و شهر رمضان

عموم اور

و قد و

سید جمال افغانی

الحساب و سوار

و سقا
خ

الحمد لله رب العالمين

حضرت حنیف بن جابر (علیہ السلام) علاء غنایہ بی غایتی و سرور انبیاء علیہ و علی آلہ افضل الشیخات معجرات کثیر البرکات لیلہ بن کہ سلطان

دشمنی روی زمین و کشتی در این و امصار و ابرک مبارک این و یار و اولاده حرفین خاوی و

لر دواليں بوسه و سکتور و والیج زماطی قنایه و رایلیع عاویة و ولہ وویا عربستان

ستامزایم فتح و سنجیدار لولیان قاص و کوحستان و ممر قد تقی و شهر و راه جاناکرین و قریم و

فقد رزق و غدا یک و حلب و روم و جند را رضی و نام و ارات نام زخم و روم و وار الخ

میں حبش و عدن و اریتریا و بحر احمر و بحر ہند و خلیج فارس و عمان و قطر و عربستان و عراق و ایران و افغانستان و پاکستان و بنگلہ دیش و سری لنکا

طوبى لصله الشف العالي
مادامت الام واللبالي
اسعد سعد اللبس اسود له ربه
فاضيا بذا السلطنة العلي
حفت بالحر السنية وارو

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فرضه خانی و سادات طراز از اجداد خانقاه را بقدر توانایی خود در اختیار ایشان

[illegible][illegible]

دستگاه و این چنین در تکیه و در راه چهار تو
و خان الوار و در کسب و سایر مقامات
با حرمه بویانه عزایم بعون الله العالی النصر قبضه فتحی
و آن عزیز و حمزه و لکله بنی ماکان و جزایر و بناور و مبارکه و قباقر و عشار و ونیم یوز بیرغ اسکر حضرت ماژکل و بابا و سپهر و پوریه و ایام نام
الله العالی لعین جلدن خباب جلالت نام و در وجه اسکنصور علیهم فتح و بخیر اندوب ماکان محرومه نفع فاه و عمر کریم نام بر قلعه اسنور و حصن اسنور
اطاعه محمد خان ابن سلطان ملاوخان ابن سلطان علیخان ابن سلطان ایمان

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

طوبى لصله الشرف العالى
ما دامت الايام واللىالى
اسعد سعد الدنيا اسعدهم
كسب الفقر الى الملك المتعالى
فاضيًا بدار السلطنة العلية
لازال نافعنا على الاعالى
حقت بالخيرات السنية والبركات القهنية
فستطنطنيت





دشنامک سلطان طغرل خوار خاں



نکته: این طغیانها در حاکمان

ماورقده کتدو خال المرقه کتارو روزو روزو جلدو وورکیه وور

ریر وکوتو رطلارو وکوتو کویا ویریه وجره تجارت مایویش

رالدو رکنه پله هیکو رضا وروزو تاجر کوی ورتیارنده کتور وکالی وور

منوال روزو لکوتو زیات پایه و تلمیه جزای غیب قورصا نایه لیمانایه وور

ریش ماورقده کتدو خال المرقه کتارو روزو روزو جلدو وورکیه ف و روزو

پورسیر و کورس رطلارو و لوپ کورسایه و سیدیه و جریه تجار طایفیه و ناو

نارالیه و کتیه پورسیر رضا سیر روزو تاجر کورس و ررتیارنده کتور و کالری و روزو

و لسنو و روزو لوپ زیلر بایه و تلمیه جزریه غریب قورصا ناریه لیماناریه و روزو

حکومت مفوض و سلم رول و عذر رباب و رول و

ب شهر وک مابین رصل و نقص و رماه و کشت میاف

وکار رجه رستانه سدر رشیانمزم مقیم رول و رله و

و

۱
بریه وک ما بینهم و صلواتن حق و لکاه و ک

رجله از ستانه سدره رشیا نمز و مقیم

کتب و کتابخانه
 بعضی کتابها را در این باره و در بعضی کتابها
 بعضی کتابها را در این باره و در بعضی کتابها
 بعضی کتابها را در این باره و در بعضی کتابها
 بعضی کتابها را در این باره و در بعضی کتابها

[illegible][illegible]



نور محمد

مسند
کتابخانه نور محمد
بعد از این کتاب است در حدیث و روایات
و تفهیم و تفسیر و تخریص و تالیف و تصانیف
و تفسیر و تخریص و تالیف و تصانیف
و تفسیر و تخریص و تالیف و تصانیف
و تفسیر و تخریص و تالیف و تصانیف

و غیر از اینها که در این خط است
این خط و خطی که در این خط است
و یکم با خطی که در این خط است

بعضی را طریقی که در این خط است
شماره پنجم و پنجم که در این خط است
بعضی را طریقی که در این خط است

کود و در این خط است
طریقی که در این خط است
این فاضل است و در این خط است

و در این خط است
این فاضل است و در این خط است
و در این خط است

و در این خط است
و در این خط است
و در این خط است



خط و کورسده میرزاان هستان

مورس دونا دیکته

دکتر

۴ اسفند ۱۳۰۲

